

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع: لینکه تسایتونگ
نویسنده: پپه اسکوبار
فرستنده: عثمان حیدری
۱۷ دسمبر ۲۰۲۰

امریکا به مقابله با جاده ابریشم چین برخاسته است

ایالات متحده امریکا کارزار «Search and Destroy» را علیه جاده ابریشم نوین چین آغاز می‌کند



چین می‌آید - سلاح‌ها کجا هستند؟

۷ سال پس از اینکه رئیس‌جمهور «شی جین‌پینگ» اول در نورسلطان (آستانه) و سپس در جاکارتا ابتکار کمربند و جاده (جاده ابریشم نوین) را اعلام کرد، جنون الیگارش‌های توانگر سالار امریکائی روز به روز بیشتر می‌شود. پارانوئای بی‌امان در مورد «تهدید» چینی بیشتر ناشی از آلترناتیوی است که بیجینگ به جنوب جهانی که در اثر استثمار مستمر صندوق بین‌المللی و بانک جهانی روز به روز بدهکارتر شده، عرضه می‌دارد. در نظم کهنه، به شیوه‌ای معمول و متداول در مقابل دسترسی بلامانع کنسرن‌ها به منابع ملی، خیرگان سیاسی-نظامی کشورها با رشوه خریده می‌شدند و در کنار آن برنامه‌های خصوصی‌سازی لجام‌گسیخته و صرفه‌جویی مطلق زیر عنوان تطبیق ساختاری به اجراء در می‌آمد.

ده‌ها سال این روند ادامه داشت تا این‌که ابتکار کمربند و جاده‌گزینۀ جدیدی برای بازسازی زیرساخت‌ها و آلترناتیوی در مقابل جای پای امپراتوری ارائه کرد.

مدل چینی همه نوع مالیات، فروش، اجاره، رهن و بهره‌وری موازی را ممکن می‌سازد. این به معنای پیدایش منبع درآمد جدید برای دولت‌ها است. با یک پدیده‌ی جنبی مهم که آن آزادی از دستورات سخت نولیبرالی صندوق‌بین‌المللی و بانک جهانی است. درست این مسأله، هسته‌ی اصلی «برد-برد» معروف چینی را تشکیل می‌دهد.

علاوه بر آن، سمت‌گیری ستراتیژیکِ ابتکار کمربند و جاده برای توسعه‌ی زیرساخت‌ها، تنها شامل اورآسیا نمی‌شود، بلکه در افریقا نیز از نظر ژئوپلیتیک مبین نقطه‌ی عطف بسیار مهمی است. ابتکار کمربند و جاده بخش‌های وسیعی از جهان جنوبی را قادر می‌سازد از دام بدهی‌ها که غرب گسترده، برهند و به استقلال کامل دست یابند. برای بسیاری از کشورها این امر به منافع ملی مربوط می‌شود و در این چارچوب باید ابتکار کمربند و جاده را مکانیسم نهایی پساستعماری برآورد کرد.

ابتکار کمربند و جاده در واقع سادگی هنر رزمی «سون‌تزو» (Sun-Tzu) را بر ژئواکونومی منطبق کرده است. هرگز وقتی دشمنت اشتباهی مرتکب می‌شود (در اینجا به بردگی کشیدن جنوب جهانی از طریق بدهی‌های ابدی) مانع او نشو، بلکه برای بی‌ثبات کردن سلطه‌ی او، از سلاح‌های او استفاده کن (در اینجا «کمک‌های» مالی).

با مغول‌ها به خیابان رفتن

البته هیچ‌چیز این آتش‌فشان پارانوئید را که ۲۴ ساعته موجی از هشدارهای سرخ، قی می‌کند و در آن (البته تنها به نظر استثنائگرایان امریکائی) ابتکار کمربند و جاده را به سخره «بد تعریف شده، بد مدیریت شده و محکوم به شکست» معرفی می‌کند، آرام نمی‌کند.

این آتش‌فشان پارانوئید از مخلوط مسمومی متشکل از نخوت و نادانی شدید در مقابل تاریخ و فرهنگ چین تغذیه می‌کند. «شو لی» مدیر بخش ستراتیژی بین‌المللی مؤسسه اقتصاد و سیاست جهانی وابسته به آکادمی علوم اجتماعی چین نشان داد که چگونه «پس از پیشنهاد ابتکار کمربند و جاده در سال ۲۰۱۳ دیپلماسی چین از حفظ پروفایل خویشتن‌دارانه گذشته به برخورد فعال‌تری در مسایل جهانی تحول یافت. ولی سیاست "شراکت به جای اتحاد" تغییری نیافت و غیرمحمتمل است که این سیاست در آینده نیز تغییر کند. واقعیت غیرقابل انکار این است که سیستم دیپلماسی اتحاد مورد پسند کشورهای غربی از طرف تعداد کمی از کشورهای جهان پذیرفته می‌شود و اغلب کشورهای جهان خواستار دیپلماسی عدم تعهد هستند و علاوه بر آن بخش اعظم آن‌ها از کشورهای در حال رشد در آسیا، افریقا و امریکای لاتین تشکیل می‌شود.»

پیمان آتلانتیکی‌ها ناامید شده اند، زیرا «سیستم دیپلماسی اتحاد» در حال افول است. اکثریت عظیمی از جنوب جهانی اکنون به عنوان جنبش کشورهای غیرمتعهد احیاء شده شکل می‌گیرد، گوئی که بیجینگ راهی یافته تا روح «باندونگ» ۱۹۵۵ را دوباره زنده کند.

فرهیختگان چینی با رغبت از دستورالعمل شاهانه مربوط به قرن ۱۳ نقل قول می‌کنند که بر مبنای آن تغییرات سیاسی باید «به نفع خلق باشد» چون اگر تنها برای کارمندان رشومخوار و فاسد منفعت داشته باشد، نتیجه luan (اغتشاش) خواهد بود.

از این رو تأکید چینی قرن ۲۱ وزنه را بیش‌تر روی سیاست عمل‌گرایانه و کمتر ایدئولوژیک می‌نهد.

خلاف تشابه آگاهانه با سلسله‌های سلطنتی «تانگ» و «مینگ» در واقع سلسله «یوان» است که پیش‌درآمد شگفت‌انگیزی برای زندگی درونی ابتکار کمربند و جاده ارائه می‌دارد.

بیانید کوتاه به قرن ۱۳ هنگامی‌که قلمرو پهن‌آور چنگیزخان به چهار خانات تقسیم شده بود، سفر کنیم.

اول خانات خان بزرگ بود که سلسله «یوان» از بطن آن پدیدار آمد و بر چین، مغولستان، تبت، کوریا و منچوری حاکم گردید.

ایلخانات که هلاکو (فاتح بغداد) مؤسس آن بود و بر ایران، عراق، آذربایجان، ترکمنستان، بخش‌هایی از آناتولی و قفقاز سلطه داشت.

بعد اردوی زرین که مراتع شمال غرب اوروآسیا، از شرق هنگری تا سیبری و به ویژه شاهزاده نشینان روسیه را زیر سلطه خود داشت.

سپس خانات جغتای (نام فرزند دوم چنگیزخان) که بر آسیای مرکزی از شرق «شین‌یانگ» تا ازبکستان حاکم بود و تا صعود تیمور لنگ به قدرت در سال ۱۳۷۰ ادامه داشت.

در این صفحه تجارت در امتداد جاده ابریشم مغول به شدت رشد یافت.

کلیه دولت‌هایی که به وسیله مغولان کنترل می‌شدند تجارت محلی و بین‌المللی را ترغیب و تشویق می‌کردند که باعث شکوفایی بازارها، رشد مالیات و بهره و پرستیز شد. خانات به رقابت بین خود می‌پرداختند تا بهترین سران تجاری را به سوی خود جلب کنند. آن‌ها زیرساخت‌های لازم را برای سفرهای قاره‌ای به وجود آوردند و راه را برای مبادله تمدن‌های گوناگون بین غرب و شرق گشودند.

هنگامی‌که مغول‌ها، «سونگ» در جنوب چین را تسخیر کردند، جاده ابریشم در خشکی را، حتی به جاده ابریشم از طریق راه‌های بحری گسترش دادند. سلسله «یوان» بزرگترین بنادر جنوبی چین را کنترل می‌کرد و به این صورت اگر در راه خشکی ناآرامی‌هایی به وجود می‌آمد، تجارت می‌توانست از راه‌های بحری ادامه پیدا کند.

مهم‌ترین محور از طریق اقیانوس هند بین جنوب چین و هندوستان و بین هندوستان و خلیج فارس و یا بحیره سرخ بود. از راه خشکی کالاها وارد ایران، عراق، آناتولی و اروپا و از راه بحر از طریق مصر و بحیره مدیترانه به عدن، اروپا و شرق آفریقا می‌رسید.

بین بنادر اردوی زرین در بحیره سیاه و مصر یک راه بحری برای فروش برده وجود داشت که به وسیله تجار مسلمان، ایتالیایی و بیزانسی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در بنادر بحیره سیاه کالاهای لوکس خرید و فروش می‌شد که از طریق راه‌های خشکی از شرق به آنجا می‌رسید و کاروان‌ها در درون کشورها رفت و آمد داشتند.

این فعالیت‌های پرجنب و جوش بازرگانی در واقع نمونه اولیه ابتکار کمربند و جاده بود که در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ میلادی به اوج شکوفایی خود رسید که تا فروپاشی سلسله «یوان» در سال ۱۳۶۸ به موازات شیوع مرگ سیاه (طاعون) در اروپا و خاورمیانه ادامه داشت.

نکته مهم این بود که همه این راه‌های زمینی و بحری با یک دیگر مربوط بودند. طراحان ابتکار کمربند و جاده در قرن ۲۱ از این حافظه تاریخی طولانی بهره‌مند شده اند.

«هیچ چیزی به طور اساسی تغییر نخواهد کرد»

حالا بیانید و این تجارت و مبادله فرهنگی وافر را با مخالفت پر زحمت و کوتاه‌فکرانه علیه جاده ابریشم و به طور کلی با پارانوای ضدچینی در ایالات متحده آمریکا مقایسه کنیم. آنچه که به دستمان می‌آید وزارت امور خارجه‌ای است که

زیر ریاست «پمپئو» «دروغ گفتیم، تقلب کردیم، دزدیدیم» می‌باشد که به اصطلاح انتقاد تند مفلوک خود مبنی بر «مشکل چین» را اعلام کرده است. و یا نیروی بحری امریکا که ناوگان اول خود را مجدداً بسیج می‌کند که احتمالاً در پرت (استرالیا) مستقر خواهد شد تا «در فضای هند-اقیانوس آرام جای پائی داشته باشد و از این طریق به برتری بحری در محل رقابت قدرت‌های بزرگ دست یابد.»

شوم‌تر از همه، بودجه ۷۴۰,۵ میلیارد دلاری است که در چارچوب قانون مجوز دفاع ملی ۲۰۲۰ NDAA به تصویب خانه نمایندگان رسید.

در اینجا مسأله بر سر تأمین بودجه پنتاگون برای سال آینده است، عملاً زیر نظارت جنرال «لوید آستین» وابسته به شرکت ریتون که یکی از بزرگترین تولیدکنندگان تجهیزات نظامی ایالات متحده امریکا است، که آخرین «جنرال فرمانده» در عراق بود و CENTCOM را از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ رهبری می‌کرد و سپس در مقابل درآمد کلانی از ارتش بیرون رفت و ریاست شرکت ریتون و -از همه مهم‌تر!- ریاست شرکت آلاینده‌های بسیار سمی آب و هوا و زمین، یعنی شرکت فولاد امریکائی Nucor را عهده‌دار شد.

«آستین» از خصلت دربگردان برخوردار است و از جنگ علیه عراق حمایت کرد و همین‌طور ویرانی لیبی و نظارت تعلیم «شورشیان معتدل» سوری را (مزدوران بازیافت شده القاعده) که تعداد بی‌شماری از مردم سوریه را به قتل رسانده اند، عهده‌دار بود.

قابل پیش‌بینی است که NDAA در واقع «ابزاری برای تهدید و بازدارندگی چین» است.

این تهدید شامل نکات زیر است:

- به اصطلاح «ابتکار بازدارندگی PDI، حرف رمزی برای عقب راندن چین در هند-اقیانوس آرام با تقویت کواد (Quad).

- تشدید عملیات جاسوسی.

- تهاجم علیه «دیپلماسی تعلیم و تربیتی»، که بی‌معنی است، زیرا ابتکار کمربند و جاده آزادانه است و بر پایه برد-برد و تأملات مستمر صورت می‌گیرد. کشورهای جنوب جهانی برای آن ارجحیت قایلند، زیرا اعتبارها کم‌بهره و درازمدت است.

- بازسازی زنجیره تأمین جهانی که به ایالات متحده منتهی شود. (ان شاءالله موفق باشید!) تحریم‌ها علیه چین برپا خواهد ماند.

- اعمال گسترده فشار که ملت‌ها را مجبور کند از «هوآوی GS» استفاده نکنند.

- استفاده بیش‌تر از هانگ کانگ و تایوان به عنوان اسب تروا برای بی‌ثبات کردن چین.

مدیر سازمان جاسوسی ملی امریکا «جان ردکلیف» هم‌اکنون خط و نشان کشید: «بیجینگ قصد دارد از نظر اقتصادی، نظامی و فنی بر ایالات متحده و بقیه جهان تسلط یابد.» بترسید! ... از حزب کمونیست شرور چین زیاد بترسید که «بزرگترین تهدید برای دموکراسی و آزادی پس از جنگ دوم جهانی در سطح جهان است.»

حالا معلوم شد: «شی» هیتلر جدید است.

لذا پس از جنوری ۲۰۲۱، همان‌طور که تیم بایدن-هاریس رسماً قول داده است، تغییرات اساسی و چندانی به وجود نخواهد آمد. همان‌طور که بیجینگ بدرستی دریافته است، باز یک جنگ ترکیبی علیه چین وجود خواهد داشت که در کلیه سطوح صورت خواهد گرفت.

حالا یعنی چه؟

تولید صنعتی چین کماکان رشد و افزایش پیدا خواهد کرد، در حالی که تولید در ایالات متحده به رشد نزولی خود ادامه خواهد داد. کماکان موفقیت‌های چشمگیری نصیب دانشمندان چینی خواهد شد، مثلاً محاسبات کوانتومی فوتونیک که ۲,۶ میلیارد سال محاسبه را در عرض ۴ دقیقه انجام می‌دهد و در خلال آن ارواح سلسله یوآن از قرن ۱۳ کماکان به ابتکار کمر بند و جاده الهام خواهند بخشید.

۱۴ دسمبر ۲۰۲۰

تارنگاشت عدالت